

www.ketab.ir



نمایش افسانه‌ای برای وقتی دیگر

لویی فردینان سلین
ترجمه‌ی مهدی سحابی، اصغر نوری



Féerie pour une autre fois

Louis-Ferdinand Céline

نمایش افسانه‌ای برای وقتی دیگر

لویی فردینان سلین

ترجمه‌ی مهدی سجایی، اصغر نوری

ویرایش: تحریریه‌ی نشرمرکز

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشرمرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۴۰۱، شماره‌ی نشر ۱۳۳۴، ۱۳۸۸ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۳۳۶-۶

نشرمرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباصافی، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

www.nashremarkaz.com

Email: info@nash-e-markaz.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشرمرکز محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، کتاب الکترونیکی (e-book)،

کتاب صوتی (Audio book) و ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت

مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



• سرشناسه سلین، لویی فردینان. ۱۸۹۴-۱۹۶۱ Céline, Louis-Ferdinand • عنوان و نام پدیدآور نمایش افسانه‌ای برای

وقتی دیگر / لویی فردینان سلین، ترجمه‌ی مهدی سجایی و اصغر نوری • مشخصات ظاهری ۲۵۶ ص. • یادداشت عنوان اصلی

Féerie pour une autre fois • موضوع داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م. • شناسه‌ی افزوده سجایی، مهدی. ۱۳۲۲-۱۳۸۸.

مترجم: نوری، اصغر. ۱۳۵۵ - مترجم • رده‌بندی کنگره PQ۲۶۲۳ • رده‌بندی دیویی ۸۴۳/۹۱۲

• شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۸۸۲۸۱۰۲

نشرمرکز از کاغذ یارانه‌ای استفاده نمی‌کند

یادداشت مترجم

سلین نسخه‌ی اول نمایش *افسانه‌ای برای وقتی دیگر* را سال ۱۹۴۶ در سلول یا به قول خودش توی دخمه‌اش در زندان کپنهاگ نوشت؛ عصبانی از همه کس، بُریده از همه چیز، بدخلق‌تر از همیشه، با تنی رنجور از دردهای قدیمی و دردی تازه که در نشیمنگاهش به وجود آمده بود. با تمام این‌ها، در این بدترین لحظه‌ی زندگی، سلین بیشتر از همیشه شهوت زنده ماندن داشت، چون خیال می‌کرد همه می‌خواهند او خودش را در زندان دار بزند؛ از زندان‌بان‌های زبان‌نفهم دانمارکی گرفته تا روشنفکران سرازپانشناخته‌ی وطنی و همه‌ی ملت وطن‌پرست فرانسه که آن موقع مستِ آزادی بودند و در پاریس خانه‌به‌خانه دنبال خائنان به میهن و «همدستان نازی‌ها» می‌گشتند تا شکم‌شان را سفره کنند. از این رو، نمایش *افسانه‌ای برای وقتی دیگر* کتابی ست علیه همه کس؛ همه‌ی دوستان، همه‌ی دشمنان، همه‌ی دوست/دشمنان، حتی خود سلین، و علیه همه چیز؛ میهن، عشق، نفرت، شجاعت، بزدلی، فداکاری، خیانت، و مسلماً علیه زبان، همان زبان استاندارد و ادبی فرانسه که سلین از رمان اولش، *سفر به انتهای شب* (۱۹۳۲)، با آن می‌جنگید. از نظر بسیاری از منتقدان ادبی، از جمله آنری گودار^۱، این جنگِ تمام‌عیار «خشن‌ترین رمان سلین در برخورد با خواننده» است.^۲

1. Henri Godard.

۲. در مقدمه‌ی کتاب فرانسوی نمایش *افسانه‌ای برای وقتی دیگر* ۱ و ۲، صفحه‌ی ۱۵.

رمان با دیداری غیرمنتظره آغاز می‌شود؛ زنی هم‌سن و سال سلین، از دوستان قدیمی‌اش، به اسم کلمانس آrlون به همراه پسرش به دیدن او آمده است، از راهی دور، بی‌خبر و در زمان یکی از بمباران‌های هوایی پاریس. روزهای آخر اشغال فرانسه است و پاریس در آستانه‌ی آزادی. از همین حالا تصفیه‌حساب‌ها شروع شده؛ خائنان به وطن و کسانی که در مدت اشغال فرانسه با آلمان‌ها همکاری کرده‌اند، یکی پس از دیگری، شناسایی می‌شوند و مردم به صورت خودجوش دخلشان را می‌آورند. سلین یکی از همین‌هاست، چون قبلاً سه همجوهی ضد یهود نوشته است؛ *هیچ و پوچ برای یک کشتار* (۱۹۳۷)، *مدرسه‌ی جنازه‌ها* (۱۹۳۸) و، به‌ویژه، *مخمصه* که سال ۱۹۴۱ چاپ شد، یعنی یک سال پس از اشغال فرانسه و زمانی که همه‌ی کتاب‌ها و روزنامه‌ها تحت‌نظر آلمان‌ها و رژیم ویشی دست‌نشانده و «همکار» نازی‌ها منتشر می‌شد. طی سال‌های اشغال فرانسه (۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴) هر نویسنده‌ای که کتاب چاپ می‌کرد، هر کتابی، یا مطلبی در یکی از روزنامه‌های رسمی می‌نوشت، از نظر مردم و جامعه‌ی روشنفکری آن زمان خائن و «همدست» آلمان‌ها تلقی می‌شد، چه برسد به سلین که نه‌تنها در روزنامه‌های آن دوره مطلب نوشته بود، بلکه کتابی ضد یهود و افراطی هم منتشر کرده بود که، گرچه به قول خودش فقط حاوی «نظر شخصی» او بود، در آن شرایط حساس زمانی، به‌راحتی «در دفاع از نازیسم و کشتار یهودی‌ها» تعبیر می‌شد. کوچک‌ترین حرکت این نویسنده‌ها، از قبیل پل موران^۱، مارسل امه^۲، ژان ژیونو^۳، ساشا گیتری^۴ و مسلماً سلین زیر نظر بود و هر روز شایعه‌ای پخش می‌شد که فلان روز به ضیافت در سفارت آلمان دعوت شده‌اند یا فلان روز با یک مقام عالی‌رتبه‌ی نظامی‌های اشغال‌گر دیدار کرده‌اند و یا، بدتر از همه، از طرف آلمان‌ها حمایت مالی می‌شوند. این آخری زور بیشتری داشت، چون دوره‌ی اشغال، بدترین دوران اقتصادی فرانسه

1. Paul Morand
2. Marcel Aymé
3. Jean Giono
4. Sacha Guitry

بود و بسیاری از مردم به معنای واقعی کلمه گرسنه بودند. همه چیز جیره‌بندی شده بود و به‌جز گروه کوچکی از فرانسوی‌ها که با زدویدن با رژیم ویشی در بازار سیاه کار می‌کردند، روزگار همه سیاه بود. مردم به دو دسته‌ی بزرگ تقسیم می‌شدند: دسته‌ی اول «بی‌تفاوت‌ها» بودند که نه با آلمان‌ها همکاری می‌کردند و نه دست به هیچ مبارزه‌ای می‌زدند؛ سعی می‌کردند به هر طریقی که شده زنده بمانند و منتظر بودند روزی همه‌چیز درست شود یا دست‌کم بدتر نشود. دسته‌ی دوم «اهل مقاومت» بودند که دست به کاری بزرگ زدند و نهضتی را تشکیل دادند از گروه‌های کوچکی از مردان و زنان مسلح که علاوه بر جنگ چریکی، شب‌نامه پخش می‌کردند، اطلاعات سری به دست می‌آوردند و شبکه‌هایی درست کرده بودند تا سربازان متفقین و هوانوردان گرفتار در منطقه‌ی اشغالی را فراری دهند. «نهضت مقاومت» نقش مهمی در سرعت دادن به پیش‌روی متفقین و، در پی آن، حمله به نورماندی در ۶ ژوئن ۱۹۴۴ و آزادسازی فرانسه داشت. گرچه بسیاری از اقشار جامعه‌ی فرانسه از قبیل مهاجرها، اشراف، لیبرال‌ها، آنا‌رشیست‌ها، کاتولیک‌ها و حتی کشیش‌ها در این نهضت شرکت داشتند، اما نقش کمونیست‌ها پررنگ‌تر بود یا پررنگ‌تر دیده می‌شد. بین این چپ‌ها، چند نویسنده، شاعر و روشنفکر معروف و محبوب، از جمله ژان پل سارتر و لویی آراگون، بودند که دلایل زیادی برای دشمنی با کسی مثل سلین داشتند که علاوه بر «همکاری»، در سال ۱۹۳۶ هجویه‌ای ضد کمونیستی^۱ هم منتشر کرده بود، آن‌هم بعد از استقبال گرم این کمونیست‌ها از کتاب اول او، *سفر به انتهای شب*، و فراهم آوردن شرایط ترجمه‌ی این کتاب به زبان روسی و چاپ آن در مسکو. چپ‌ها گرچه سلین را نویسنده‌ای بزرگ می‌دانستند، اما به نظرشان از همه‌نظر خائن بود؛ خائن به ایده‌ی کمونیسم، خائن به ملت تحت ستم یهود و خائن به وطن. در چنین موقعیتی است که در آغاز رمان *نمایش افسانه‌ای برای وقتی دیگر*، دوست قدیمی سلین، کلمانس، به دیدار

۱. اسم این اثر کوتاه (۲۱ صفحه) mea culpa بود که همراه اثر دیگری از سلین به نام *زندگی و آثار سلین* چاپ شد.

او در خانه‌اش واقع در محله‌ی مونمارتر پاریس آمده است؛ خانه‌ای نسبتاً مرفه که فروش خوب دو رمان اولش، *سفر به انتهای شب و مرگ قسطی* (۱۹۳۶)، برای این «پزشک فقرا»^۱ به ارمغان آورده بود. از رمان بعدی او، *دسته‌ی دلقک‌ها* (۱۹۴۴)، به دلیل جو زمانه، استقبال زیادی نشد، گرچه این رمان «داستانی‌ترین» اثر سلین است.

دیدار با کلمانس بستری می‌سازد که راوی رمان/ سلین از شرایطی بگوید که در آن جان هرکس که طی دوره‌ی اشغال با آلمان‌ها همکاری کرده یا مشکوک به همکاری بوده در خطر است؛ هر روز تعداد زیادی «همدست با آلمان نازی» در خیابان‌ها و خانه‌های پاریس «سلاخی» می‌شوند و اموالشان به تاراج می‌رود. سلین نمی‌داند کلمانس برای چه آمده اما همین بهانه‌ای به دست می‌دهد برای آغاز «سلینی‌ترین» رمان سلین که تماماً شبیه کابوسی است که می‌شده در سلولش در زندان کپنهاگ دیده باشد. در این کابوس طولانی، از خانه‌اش در مونمارتر می‌بردمان به ته دخمه‌اش در زندان بالتاوستان، از آنجا پرت‌مان می‌کند وسط جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) که در آن زخمی شده بود، از وسط جنگ شُرمان می‌دهد به دادگاهی که او را به خیانت و زندان محکوم کرده و از آنجا دوباره به سلول و دردهایی که آنجا تحمل می‌کند و دوباره از سلول به وسط پاریس، به کابوسی دیگر در دل کابوس اصلی؛ کابوس تکه‌پاره شدن به دست روشنفکران چپ، و تمام این‌ها هم بسیار نمایشی؛ یک «نمایش افسانه‌ای» تمام‌عیار. دست‌آخر، مدار کابوس به دیداری دیگر منتهی می‌شود، دوباره دیداری با یک دوست/ دشمن در بمبارانی دیگر در پاریس؛ نقاش و مجسمه‌ساز معلولی به نام ژول. در حالی که کلمانس را کلاً از یاد برده‌ایم، این دیدار دوم انگیزه‌ای می‌شود برای شرح روزهای آخر سلین در پاریس و ورود همسرش لوست به همراه ورود عنصر موسیقی به رمان تا «نمایش افسانه‌ای» کامل شود. اما آیا این رمان زندگی‌نامه است؟ چقدر می‌توان به درستی حرف‌های راوی رمان، که نامش فردینان سلین و پزشک و شاعر است، اعتماد کرد؟

۱. سلین هیچ‌وقت از راه پزشکی درآمد خوبی نداشت و در *مرگ قسطی* به این موضوع اشاره کرده است.